

حق انتشار آزاد است



مفاهیم اولیه‌ی آنارشیزم

پاسخی بر سوالات تکراری و بنیادی در مورد آنارشیزم

واردان

واردان
مفاهیم اولیه‌ی آنارشیزم
پاسخی بر سوالات تکراری و بنیادی در مورد آنارشیزم

anarchistfront.noblogs.org

fa.anarchistlibraries.net

فهرست

3	آنارشیسم چیست و آنارشیت کیست؟
4	ارزش‌های آنارشیکم
7	رسیدن به جامعه‌ی آنارشیستی
8	آنارشیسم در دهه‌های اخیر

آنارشيسم چيست و آنارشيسيت كيست؟

جورج وودكاك:

تا به حال هيچ واژه‌اي به اندازه‌ي واژه‌ي آنارشيسم دچار كج‌فهمي نشده است.

يكي از اصول اوليه‌ي آنارشيسم برابر است با نفی اقتدار كه در طول تاريخ با انواع و اقسام اشكال مختلف همچون حكومت، دين، نژاد، جنسيت و.. ظهور كرده است. تمامی این اشكال اقتدار طلب به جهت اعمال كنترل اقليت بر اكثريت و به خدمت گرفتن و استثمار افراد يك جامعه به نفع طبقه‌ي حاكم همچون پادشاهان، سياستمداران، پيشوايان ديني و حتي سلطه‌ي مرد بر زن به وجود آمد.

يك آنارشيسيت بيشتر از هر چيز به دنبال نحوه‌ي برخورد انسان با جامعه‌اش است. چه فردگرا باشد و چه جمع‌گرا همه‌ي آن‌ها خواستار جامعه‌اي بدون طبقه و مبتني بر همكاري داوطلبانه ميان يكديگر هستند، به همين دليل اقتدار را انكار و به دنبال انهدام نظام كارگر- كارفرما و سلطه‌ي انسان بر انسان هستند.

سوال پيش مي‌آيد كه آيا تمام كساني كه منتقد نظم موجوداند، اقتدار حكومت را انكار مي‌كنند و با آن به ستيز برمي‌خيزند آنارشيسيت هستند؟

با يك مثال جواب اين سوال را مي‌دهم، پيامبران را در مقام يك شخص (نه فرستاده‌اي از طرف خدايشان) با فلسفه‌اي رهايي بخش براي طبقات پايين جامعه در نظر بگيريد، آن‌ها در زمانه‌ي خود قدرت و ظلم و فساد حاكمان را رد كردند به اين دليل كه خواستار جامعه‌اي برابر ميان افراد بودند و ارزش انسان‌ها را به دور از هرگونه شغل و پيشه نسبت به يكديگر برابر مي‌دانستند و خواستار برچيدن استفاده‌ي ابزاري اقليت حاكم از مردم بودند.

مسئله‌اي كه وجود دارد اين است كه آن‌ها به دنبال آنارشي يا جامعه‌اي بدون طبقه و سلسله‌مراتب نبودند، بلكه بيشتر از همه خواستار تاسيس قلمرو يا حكومتي ديگر بر اساس قوانين خود بودند. حال به‌جاي نام پيامبران اسم هر شخص انقلابي ديگري بگذاريد، چيزي كه در همه‌ي آن‌ها مشترك است جايگزين كردن خود و يارانشان با اقليت حاكم است.

آيا آنارشيسيت‌ها هرج و مرج طلب هستند؟

دلایل بی‌شماری برای پیدا کردن چرایی بدنام شدن آنارشيسيت‌ها به عنوان خرابكار، آشوبگر، هرج و مرج طلب و حتی قاتل وجود دارد. يكي از دلایل، عمل‌گرا بودن آنارشيسيت‌ها و نشان دادن

همجنس‌گرایی در آمریکا همچون دیگر جوامع غیرقانونی بود. از این شورش با نام شورش "استون وال" نیز نام می‌برند چون نام کافه‌ای است که همجنس‌گرایان و دگرباشان دور هم جمع می‌شدند.

بامداد ۲۸ ژوئن ۱۹۶۹ بود پلیس طبق معمول به صحنه آمد تا افراد را بخاطر پوشیدن لباس نامناسب با جنسیت‌شان دستگیر کند. اتفاقی که آن شب را از دیگر شب‌ها متمایز می‌کند مقاومت همجنس‌گرایان بود که این اتفاق را به یک شورش چند روزه تبدیل کرد.

بلافاصله پس از این واقعه گروه‌هایی با اندیشه‌ی آنارشستی همچون "جبهه رهایی‌بخش همجنس‌گرایان" (Gay Liberation Front) و به طور کل شبکه‌ی آنارکو-کویبر شروع به فعالیت کردند تا این آتش را روشن نگه‌دارند. این تداوم مقاومت بود که برایشان آزادی به ارمغان آورد.

ضدیت‌شان با حکومت‌های چه دست‌راستی و چه دست‌چپی در طول تاریخ است. آن‌ها از بدو تولد یعنی از زمان زایش آنارشسیسم به عنوان فلسفه‌ای سیاسی و پیدا شدن آنارشست‌ها در قرن ۱۸ میلادی منتقدین سرسخت دولت‌ها و دولت‌مردان بوده‌اند.

در اوایل قرن ۲۰ میلادی بود زمانی که حکومت‌ها به قدرت تبلیغات برای پیش برد اهداف‌شان پی بردند، به همین جهت گره خوردن صفاتی همچون وحشی و خرابکار با نام آنارشسیسم از بلوک شرق گرفته تا غرب طنین‌انداز سراسر جهان شد.

البته لازم به ذکر است اقدامات آنارشست‌هایی که حاکمان و سیاستمداران وقت را ترور کردند در این نام‌گذاری بی‌تاثیر نیست.

وضعیتی را برایتان مثال می‌زنم:

تصور کنید در کشوری با حکومتی دیکتاتوری و تمام‌خواه زندگی می‌کنید حال شما به عنوان یک شهروند ناراضی فرصتی برای ترور کردن دیکتاتور بزرگ به دست آورده‌اید چه می‌کنید؟

اگر انجام دهید مردم زیادی از این عمل شما استقبال خواهند کرد و حتی ممکن است برایتان شعر، داستان، موسیقی و فیلم بسازند و جاودانه‌تان کنند اما در این بین همزمان با شور و شادی مردم دولت هم دست به کار می‌شود و کارزار تبلیغاتی علیه شما و کنش شما به راه می‌اندازد و از شما به عنوان فردی قاتل و خطرناک برای جامعه یاد می‌کند در این بین تصور کنید که آنارشست هم باشید.

تنها تفاوتی که قرن حاضر با صد سال پیش دارد این است که آن زمان، دولت حاکم بلامنازع تبلیغات و وسایل مربوطه بود، اگر روزنامه‌ها یا مدیای آن زمان شخص یا ایدئولوژی‌ای را به وحشیگری و خرابکاری محکوم می‌کرد تاثیر این عمل از اذهان جامعه به سادگی از بین نمی‌رفت. چه بسا بودند هنرمندان و نویسندگانی که سعی داشتند واقعیت را آن‌طور که بود از طریق آثارشان به مخاطبان منتقل کنند، اما این نبرد ناعادلانه بین چند هنرمند و دستگاه تبلیغاتی حکومت پایانی مشخص داشت.

ارزش‌های آنارشسیسم

پیتر مارشال:

اکثریت حقی در دیکته کردن چیزی بر اقلیت ندارد حتی اقلیت یک نفره، چه برسد به حق دیکته‌ی اقلیت بر اکثریت.

آنارشيسم‌ها به دنبال زندگي‌اي مبتني بر برابري، رفاه و برآورده شدن نيازهاي همگاني و فردي هستند. نياز به آن معنای مايحتاج اوليه و گذراندن زندگي در شرايط سخت و دشوار نيست، بلکه بيشتر از همه به معنای رفاه اجتماعي می‌باشد. به باور آن‌ها انسان همانقدر به غذا و مسکن نياز دارد که به هنر، علم، تفريح و غيره.

آنارشيسم در بازتعريف ارزش‌هاي مبتني بر زندگي آزاد و خلاقانه، اصل اول يعني برابري ميان تمام انسان‌ها فارغ از شغل، جنسيت و نژاد را سرلوحه‌ي کار خود قرار داده است. برابري به معنای رعايت مساوات ميان همه‌ي افراد نيست بلکه برابري‌اي مبتني بر رعايت آزادي فردي هر شخص. به دليل تنوع مکتب در آنارشيسم ارزش‌هاي زيادي نزد آن‌ها وجود دارد اما در ادامه به تعدادي از موارد بنيادين که در ميان تمامی گرايش‌ها يا اگر نخواهيم با قطعيت بگوييم، ارزش‌هايي که در بيشتر گرايش‌ها مقبوليت دارند می‌پردازم.

دموکراسي مستقيم:

تفاوت عمده‌ي اين مدل از دموکراسي با مدلي که در غرب و دولت‌هاي به اصطلاح آزاد و ليبرال وجود دارد اين است که در دموکراسي پارلماني هر شهروند با رای خود به طرفداري از یک نماينده‌ي خاص با گرايش‌هايي متفاوت از ديگر نمايندگان برمی‌خيزد به اين اميد که شايد اين نماينده‌ي جديد حق شهروندان را کمتر از ديگري پايمال کند.

حال بايد از خود سوال کرد آيا اين شهروند متوجه‌ي اين موضوع نمی‌شود که وقتي به یک شخص ثالث رای می‌دهد تا به جای او و برای زندگي و آینده‌ي او تصميم بگيرد، در واقع آزادي فکر و عمل را از خود سلب و آن را دو دستی و با اشتياقي وصف نشدنی تقديم شخص نماينده می‌کند! اما دموکراسي مستقيم تعريف و کارکردي متفاوت دارد. یک جامعه‌ي آنارشيستي از شوراها و کمون‌هاي مختلف تشکيل می‌شود که اجرای سياست‌ها و تصميمات را بر عهده دارند. دموکراسي مستقيم به اين معناست که سياست‌ها توسط شهروند با رای‌گيري يا روش‌هاي پيشنهاده‌ي انجام می‌شود و وظيفه‌ي اجرا و اداره‌ي تصميمات بر عهده‌ي شورا يا کمون است.

ممکن است از خود بپرسيد اگر کمون وظيفه‌ي خود را به درستي انجام ندهد و يا در اجرای سياست تصويب شده کوتاهي کند، شهروند چگونه می‌تواند به مقابله برخيزد؟
پاسخ در اين است، شهروندان هر لحظه از ماه و سال امکان خلع اعضای شورا يا کمون را دارند.

حال می‌پرسيد اعضای شورا يا کمون چه کسانی هستند؟

شهروندانی هستند که به صورت داوطلبانه مسئوليت انجام کار را بر عهده می‌گیرند.

سازماندهي افقي:

اين واژه بيشتر از هر چيز به دنبال حذف سلسله‌مراتب سازمانی و يا ارجحيت داشتن یک فرد يا گروه بر ديگري است.

کاریکاتور معروف هرم نظام سرمايه‌داري را در نظر بگيريد؛ طبقه‌ي زيرين که شامل کارگران و

اين آموزه برگزار می‌شود. در واقع آن‌ها سعی می‌کنند بستري برای تبادل ایده‌ها و اشتراک تجربيات فراهم کنند تا به تصميمي جمعی در قبال اقدامات عملی تاثیرگذار برسند.

آنارشيسم در دهه‌هاي اخير

باکونين:

انقلاب عليه آدم‌ها نيست بلکه انقلاب عليه مناسبات است.

وضعيت آنارشيسم در دهه‌هاي اخير دستخوش تحولات زيادي شده است، هر گروه يا فرد بسته به دغدغه و شرايط زندگي خود پيرو یک يا چند گرايش از مکاتب آنارشيسم شده است. اما همچنان گرايش همه‌ي آن‌ها به انکار ساختار دولت و سلسله‌مراتب باقی مانده است و فقط در حوزه‌ي مخصوص به خود فعاليت می‌کنند و در عين حال به دنبال فرصتي می‌گردند تا دوباره و از نو با يکديگر متحد شوند.

در ادامه چند مثال از گرايش‌هاي به نسبت جديد آنارشيسم را توضيح خواهم داد.

آنارشيسم سبز:

مکتبي از آنارشيسم با دغدغه‌اي اکولوژيکی. از جمله عقايد آن‌ها می‌توان به مخالفت با سيستم سرمايه‌داري و توليد انبوه، مصرف‌گرایی، تخریب محیط زیست، زباله‌هاي صنعتی و .. اشاره کرد.

برای نمونه می‌توان به ”جبهه آزادسازی زمین“ (Earth Liberation Front) سال ۱۹۹۴ در انگليس اشاره کرد که خود انشعابي است از ”جبهه آزادسازی حيوانات“ (Animal Liberation Front) جنبشی با تمرکز بر از حقوق حيوانات.

از ویژگی‌هاي اين دو جنبش می‌توان به نامتمرکز بودن، نداشتن رئیس يا شخصي در راس قدرت و انجام اقدامات عملی بر پايه‌ي خودسازماندهي فردي و جمعی؛ اقداماتی در جهت کند کردن روند تخریب محیط زیست صورت می‌گیرد.

آنارکو-کوير:

روز رژه‌ي کويرها (Queer Pride Parade) چگونه شکل گرفت؟

رسیدن به جامعه‌ی آتارشیستی

فکر می‌کنم اگر به این پرسش جوابی قطعی و محکم بدهم خود را در زمره‌ی واعظان و پیشوایان قرار داده‌ام. کسانی که با به تصویر کشیدن یک نقشه‌ی از پیش تعیین شده خواستار تبعیت و پیروی بی‌چون و چرای پیروانشان هستند. این در حالی‌ست که لطافت آتارشیسم به تنوع و ثابت نبودن این آموزه است؛ به گونه‌ای که هر فرد یا گروهی بسته به خلاقیت و سلیقه‌ی خود می‌توانند مسیری جدا از دیگری طی کنند. تا زمانی که صداقتدار باشند و اصل برابری را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهند.

تمرکززدایی و ایجاد جوامع خودمختار:

آتارشیست‌ها در همه‌ی زمانه به دنبال ایجاد جوامع خودگردان بودند از کمون پاریس در سال ۱۸۴۸ گرفته تا حال حاضر با این هدف که دست دولت و موسسات مالی و دینی را از زندگی خود کوتاه کنند. ممکن است بگویید در قرن حاضر این کار نشدنی است، اما جواب می‌دهم نه تنها شدنی است بلکه نمونه‌های موفقی از این جوامع را می‌توان در مناطق چیاپاس مکزیک و روزآوای کوردستان مشاهده کرد. علاقه و تاثیر این ایده بر رهایی‌سازی مناطق به حدی بود که مورای بوکچین در اواخر قرن ۲۰ نظریه‌ی کمونالیسم را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد.

کمونالیسم چیست؟

در تعریفی ساده می‌شود از آن به عنوان سیستمی نام برد که در آن جوامع خودمختار محلی، به صورتی غیرمتمرکز در یک فدراسیون قرار می‌گیرند و شهر یا منطقه را اداره می‌کنند.

آموزش و گسترش آتارشیسم:

طبیعتاً یکی از اولین گام‌ها در رسیدن به مسیر مورد نظر گسترش آگاهی عمومی و شناساندن هرچه بیشتر این آموزه به دیگران است. آتارشیست‌های گذشته این مسیر را از طریق "تبلیغ از راه عمل" انجام می‌دادند به این صورت که اربابان و شاهان مستبد را ترور می‌کردند. اما آتارشیست‌های قرن ۲۰ با توسل جستن به اقدامات نمادین سعی در نشان دادن مخالفت خود با دولت و سلطه‌ی حاکم زمانه بودند؛ اقداماتی از قبیل خراب کردن ساختمان‌ها یا نمادهای سرمایه‌داری.

و اما در حال حاضر در عین استفاده از سنت آتارشیست‌های قرن بیستمی، همایش‌ها و رویدادهایی خصوصاً در جوامع غربی که مردم آزادی‌های بیشتری نسبت به دیگر جغرافیاها دارند برای تبلیغ

اقتدار زحمت‌کش جامعه است با عنوان "ما برای شما کار می‌کنیم و شما را سیر می‌کنیم" تا راس هرم با عنوان "بر شما فرمانروایی می‌کنیم". حال می‌توان این هرم را به یک خط عمودی تشبیه کرد که افراد بر اساس مقام و پول از بالا به پایین طبقه‌بندی می‌شوند. اما در خط افقی، بالا و پایینی وجود ندارد و همه‌ی انسان‌ها در کارکردن، تصمیم گرفتن و داشتن قدرت با یکدیگر مساوی‌اند. مراقب باشید که این نمونه را با سازماندهی از پایین به بالا اشتباه نگیرید چون باز هم در آینده شاهد هرم طبقاتی خواهیم بود با این تفاوت که این دفعه فقط جای کارگر و سرمایه‌دار عوض خواهد شد.

آموزش آزاد و تفکر نقادانه:

همانطور که از نام‌اش پیداست آموزش باید آزاد و مستقل از هر دولت یا مذهبی باشد. شک کردن، عنصر اول آزادی هر انسان. تصور کنید که در مدارس تفکر انتقادی و سیاست ضداستبدادی آموزش داده نشود؛ نتیجه این می‌شود که در بهترین حالت با جامعه‌ای مطیع و دنباله‌رو مواجه خواهیم بود. چیزی که هر حکومتی خواهان آن است. آرمان شهر هر دولتمرد. توجه‌تان را به درس تاریخ در مدارس تمام کشورها جلب می‌کنم. آیا چیزی غیر از رشادت‌ها و دلاوری‌های قهرمانان ملی را مشاهده می‌کنید؟ چگونه ممکن است نادر شاه افشار در عین این که قهرمان ایرانیان است همزمان در هند از او به عنوان دزد و غارتگر یاد کنند؟ حال یک فرد بی‌طرف خارج از این دو ملت باید از او به عنوان کسی که ایران را آباد کرد یاد کند یا کسی که هند را تاراج کرد؟ فرد مستبد، مستبد است خوب و بد ندارد.

دگراندیشی:

یکی از زیبایی‌های آتارشیسم دگراندیش بودن آتارشیست‌هاست. دلیل تنوع مکاتب و گرایش‌های مختلف دال بر اثبات این نظریه است. انسان، آزاد است خلاقانه زندگی کند و زندگی بیافریند. به همین دلیل است که آتارشیست‌ها از تمامی افکار نو و رهایی‌بخش مادامی که به دنبال قدرت، بهره‌کشی، انباشت سرمایه و.. نباشد استقبال می‌کنند، آن را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهند و به آیندگان منتقل می‌کنند.